

فدا، یک عقیده انحرافی و بدآموز

مذهب به صورتی که امروز در کلیسا تبلیغ می شود مانع هرگونه فکر اصلاحی است

پیشین، بطور قاطع و نافذ بر افکار عموم حکومت داشته است .

منظور این است که اولاً بدانیم آیا مسأله فدا که مسیحیان شدیداً بدان پای بندند و اساس مذهبشان را تشکیل می دهد، دارای اصالت تاریخی هست یا نه؟ آیا اینکه می گویند مسیح برای رهائی انسانها از بلهه " گناه موروثی " و نجات او از انواع کبیرهای دنیائی و آخرتی به دار آویخته و کشته شده است (فدا) ریشه‌ای در عهدین و یا لاقلاً در دیگر کتابهای مذهبی مسیحیت دارد یا نه؟

ثانیاً ببینیم آیا یک چنین عقیده از نظر عقل و استدلال می تواند یک عقیده منطقی و قابل توجیه علمی باشد؟ آیا آن

یکی از مسائل مهم و بلکه " بفرنج "

مسیحیت فعلی، که اکنون رهبران کلیساها را دست و پاگیر کرده، اعتقاد به " فدا " شدن مسیح برای " نجات " انسانهاست .

پدران روحانی ! به مسیحیان و به همه انسانهای جهان، تعلیم می دهند که عیسیای مسیح، به دنیا آمد، و تمام مشقات و رنجها را متحمل و سپس کشته شد (البته بر حسب عقیده خود) تا موجب نجات و رستگاری مردم شود .

ما اینک کاری به این نداریم که اعتقاد به موضوع " فدا " مانند بسیاری از عقاید دیگر مسیحیت " کپی " و تقلیدی است از عقاید خرافی و باطل که در مذاهب

"متی" در اینجا با صراحت تمام اعلام می‌کند که خون مسیح بدار آویخته ، بجهت فدیة و آمرزش گناهان مردم ریخته شده است " همین موضوع در رساله‌های رسولان و شاگردان مسیح که هم اکنون جزء کتابهای باصطلاح آسمانی مسیحیت محسوب می‌گردد و لذا ، اغلب ، ضمیمه اناجیل چهارگانه منتشر می‌شود ، بطرز روشنتری بیان شده است .

در رساله یوحنا می‌خوانیم : " او است کفارهای بجهت گناهان ما ، نه گناهان ما فقط ، بلکه بجهت تمام جهانیان نیز " ^۲ و نیز " پولس رسول " که در شمار شاگردان مسیح قرار می‌گیرد در رساله خود به " عبرانیان " پیرامون خدا و کشته شدن مسیح بخاطر نجات و رهائی انسانها می‌نویسد " چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید بدست راست کبریا در اعلیٰ علیین نشست " ^۳ " مسترهاگس " آمریکائی برای آنکه به خرافه " فدا " قدمتی بس طولانی در تاریخ عقاید مذهبی ببخشد مدعی است در شرایع یهود نیز از مساله فداء سخن رفته است . وی در " قاموس کتاب مقدس " پس از بیان معانی متعدد فدا پیرامون فدائی که مسیحیان در مورد مسیح معتقدند می‌نویسد : " در شرایع یهود ، مطالب مهمی

اعتقاد ، سازنده و مایه تکامل و تقویت روح بشر است یا موجب تخدیر ، انحطاط ، تجری و گستاخی او که صدها گونه گمراهی و فساد نیز برایش به ارمغان می‌آورد ؟ شکی نیست که مساله فدا بصورتیکه اکنون از معتقدات تمام فرقه های معروف مسیحیت است ، در کارگاههای تحریفی کلیساها دستکاری و نقاشی شد ، و این مساله باچنان بافتش از مسائل خود در آورده‌ی سازمانهای روحانی ! مسیحیت است .

ناگفته نگذاریم که بحث و بررسی در متون کتابهای مذهبی مسیحیت ، نشان می‌دهد که بذر این " عقیده خرافی " و بدآموز در لایه‌های تعالیم تحریف شده آنها پراکنده است . باز تکرار می‌کنیم که این اعتقاد با رنگ و رونق خاص کنونی از ساخته‌های کلیسا است ، ولی باید توجه داشت اگر در اناجیل موجود تصریحی در مورد لفظ " فدا " نیست اما با صراحت تمام به مفهوم و لازمه‌ی آن دلالت دارد .

چنانکه در انجیل متی (که مسیحیان آن را معتبرترین اناجیل موجود می‌دانند) از قول مسیح در آخر های عمر او ، خطاب به شاگردانش چنین نقل می‌کند : " این است خون من " در عهد جدید " که در راه بسیاری ، بجهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود " ^۱

بسیاری یافت می شود که اشاره به مبدا و منبع " فدائی " می باشد که مسیح آن را به عمل آورده و تکمیل نمود . یعنی در وقتی که خود را برای رفع هر قید و مسئولیتی " فدیسه " گذرانید تا هر کس که در تحت غلامی و بندگی " گناه " است آزاد سازد ، و شرط این آزادی این بود که شخص گناهکار " فادئ " (کسیکه فدائی شود) خود را با تمام دل قبول کند و قلبا به وی ایمان آورد ^۴

بدینگونه می بینیم کتابهای مذهبی مسیحیت ، با تلقین چنین عقیده های نامعقول و غیرمنطقی ، راه را برای بدآموزی سردمداران کلیسا و انحراف مسیحیان از مسیر تعالیم آسمانی پیامبران که مسیر " حق و عدالت " است باز می گذارد و در تشویق و تقدیس این نوع پندارها ، عقاید مذهبی مسیحیت را به رسوائی و ابتذال می کشاند .

فداء یا پی آمد گناه موروثی

گفتیم که مساله فداء ، از ساخته های افکار انحرافی مسیحیت است ، و وجود آن در کتابهای مذهبی این ملت ، دلیل روشنی بر دگرگونی و دستخوردگی آنها می باشد ، اما خود این موضوع مولود یک عقیده انحرافی دیگری است که کتابهای عهد قدیم و جدید آن را به پیروان خود تعلیم و تلقین داده

است .

آن عقیده باطل و تحقیر آمیز که پی آمدی چون فداء آورد عبارت است از اعتقاد به " گناه موروثی " یا " گناه ذاتی "

در منابع دست اول مذهبی مسیحیت شخصیت انسانی سخت دستخوش تحقیر است ، و منش او با توجه به گناه موروثی اش هرگز نمی تواند هنجار و ارزشمند باشد . این کتابها میگویند نوع انسان با گناه حضرت آدم و حوا دچار گناه ذاتی گشت ، بنابراین هیچ بشری نمی تواند پاک و بدون گناه باشد . چنانکه " مسترهاکس " با استفاده از عهدین و استناد به دیگر کتابهای مذهبی یهود و مسیحیت می نویسد :

" کتاب مقدس ، مبدا پیدایش گناه را به والدین اول ، (آدم و حوا) نسبت میدهد لہذا هیچکس بدون گناه نمی باشد (یعنی موروثی است) ^۵

بنابراین انسان در " اومانیسم " مسیحی موجودی محقر و پلید است . ناچار برای جبران شکست روحی و رفع " قدرات باطنی " باید به عاملی پناه ببرد تا درون ناپاکش را " تطهیر " کند و " شخصیت " ضربه خورده اش را زنده سازد .

این عامل از نظر مسیحیان جز اعتقاد به فداء و محبت به " فادی " ^۶ چیز دیگری نمی تواند باشد . تعجب در این است که

رهبران کلیساها به جای اینکه انسانها را به عمل و تلاشی بیگیر و کوششی خستگی‌ناپذیر و مبارزه‌ای مداوم با پلیدی گناه تشویق کنند برای نجات و رستگاری تنها ایمان به فادی و محبت او را در دل داشتن بسنده می‌دانند. "جان‌الدرد" که بخوبی از معارف و تعالیم انجیلی آگاه است می‌گوید:

اناجیل موجود، با همه تقدیس و احترام‌خاصی که نسبت به ایمان دارد، در عین حال نقش عملی را نادیده نمی‌گیرد.^۷ "لاندامان" نیز مانند وی با استناد به اناجیل چهارگانه می‌گوید: اگرچه انسان در کتاب مقدس، به "گناه زدگی" متهم شده است ولی می‌تواند در پرتو عمل و ایمان، راه سعادت خود را انتخاب کند.^۸

اما پدران روحانی! برای آنکه بتوانند گروه‌های بیشتری را به آئین کلیسا جذب کنند، تنها ایمان و محبت به مسیح را کافی می‌دانند و در تمام تبلیغات گسترده و جهانی خود، به مردم اعلام می‌دارند، که یگانه راه نجات از گناه موروثی و رهائی از کیفرهای الهی همان دو جمله است و پس:

ایمان به مسیح و محبت به او! .
تصور می‌کنیم، آنچه که در این زمینه آورده‌ایم برخی از خوانندگان، مستقیماً در نشریات و تبلیغات مسیحیت که متأسفانه شاید در ایران خیلی کمتر از نشریات اسلامی نیست دیده‌اند، از اینرو از نقل مطالب پراکنده آنها در این مورد که بدست ما رسیده است

خودداری می‌کنیم.

مبشران مسیحی باید بدانند که هر انسان خردمند به ویژه قشر روشنفکر جوان (چه مسیحی و چه مسلمان) به خوبی آگاهند که خرافه گناه موروثی و فدا شدن مسیح برای رهائی انسانها از بار سنگین چنان "گناه ناکرده" هرگز نمی‌تواند از تعالیم آسمانی یک پیامبر راستین مانند عیسی که خدا او را "کلمه" و نشانه خود می‌داند و "روح الله" اش می‌خواند باشد.

مبشران مسیحی باید بدانند که هیچگاه با تبلیغات عاری از منطق، نه تنها نمی‌توانند راهی در افکار روشن و مغزهای متفکر نسل حاضر، برای پذیرش مسیحیت، بگشایند، که موجب انزجار و مانع پیشرفت افکار آنها به ویژه قشر تحصیل کرده نیز خواهند بود چنانکه "راسل" می‌گوید "تصور می‌کنم مذهب به صورتی که امروز در "کلیسا" رواج دارد مانع پیشرفت هر نوع فکر شرافتمندانه و صحیح می‌باشد."^۹

۱- متی باب ۲۶ جمله ۲۸

۲- رساله‌ی اول یوحنا رسول باب ۲ جمله ۲

۳- رساله پولس به عبرانیان باب ۱ جمله ۳

۴- قاموس کتاب مقدس ص ۶۴۶

۵- قاموس کتاب مقدس ص ۷۵۳

۶- به عقیده مسیحیان لقب حضرت مسیح است

۷- نگاه کنید به تاریخ اصطلاحات کلیسا ص ۶۶

۸- کتاب انسان‌شناسی فلسفی بخشانسان‌شناسی

انجیلی را بخوانید

۹- جهانی ده من می‌بینم ص ۲۹ بنقل سیمای

اسلام ص ۱۷۴

کامی بسوی مبارزه با بیگانه‌گری در فرهنگ اسلامی

سنت اجتماعی درآمده و با به عبارت صحیحتر
درد بی‌درمانی شده است که جامعه ما با آن
دست بگریبانست .

گدایان حرفه‌ای برای تحریک حس
مذهبی افراد ، مقدسات اسلامی را دست‌آویز
خود قرار داده و به نام پیامبر (ص) و امامان
متوسل می‌گردند و گاهی کتاب آسمانی را
وسيله گدائی قرار می‌دهند و در نتیجه این
دو امانت گرانبهای پیامبر را ، در معرض
اهانت ، قرار می‌دهند .

امروز به گواهی آثارهای گویا که از
گدایان حرفه‌ای بدست آمده است ، گدائی

در شهر تبریز در پرتو راهنمایی
علماء و گویندگان مذهبی و افراد روشن و
با ایمان ، یک اقدام خداپسندانه در راه مبارزه
با یکی از گرفتاریهای اجتماعی صورت گرفته
است و این عمل می‌تواند سرمشقی برای سایر
شهرستانها باشد که با چنین گرفتاری دست
بگریبان هستند . از این جهت به چاپ این
مقاله که بیانگر نحوه مبارزه با این مشکل
اجتماعی است ، مبادرت می‌ورزیم .

سؤال به کف که از نظر اسلام مذموم
و ناپسند است متأسفانه در اثر ابراز عواطف
بیجای برخی از ساده لوحان به صورت یک

مکتب اسلام

طبقات مختلف مردم تصمیم گرفته اند که با طرحی کاملاً ابتکاری این درد بزرگ اجتماعی را درمان کنند و هیئتی بنام " حمایت مستمندان تبریز " در تاریخ ۲۶ ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ شروع به فعالیت نموده و موسسه خود را به ثبت داده و سرانجام شخصیت حقوقی یافته است .

هیئت حمایت مستمندان تبریز را گروه‌های مختلفی تشکیل می‌دهند و هر گروهی وظیفه مخصوصی بعهدہ دارد .

۱- گروه تحقیق - متشکل از ده نفر میباشد و مناطق مختلف شهر از نظر بررسی درماندگان به پنج منطقه تقسیم شده است که هر ۲ نفر مامور بررسی مستمندان یک منطقه هستند که باهم برای تحقیق میروند .

۲- گروه تبلیغ - از چهار نفر متشکل میباشد که وظایف آنها تبلیغ اهداف و اقدامات هیئت ، ب مردم بوسیله آگهی ها و نصب تابلوهای تبلیغاتی و تشکیل جلسات سخنرانی و شرح فعالیت جمعیت می باشد .

۳- گروه کاریابی - متشکل از چهار نفر که وظیفه دارند برای مستمندان که از طرف گروه مشورتی به آنان ارجاع می شود کار مناسبی که درخور استعداد و توانائی و بسا شخصیت و موقعیت آنان باشد پیدا کنند .

۴- گروه مشورتی - متشکل از پنج نفر است ، اینها پرسشنامه‌هایی را که در مساجد بوسیله معتمدین از مستمندان تنظیم و توسط

حرفه‌ای یکی از پردرآمدترین کسب های روز شده است و در نتیجه مستحقان واقعی و آبرومند ، محروم و درمقابل ، گدایان غیر مستحق از درآمد سرشاری برخوردارند .

این کار سبب شده که در ماههای محرم و رمضان گروهی از دور و نزدیک به شهرها و قصبات هجوم آورده ، و با نهایت تاسف احیاناً با استفاده از لباس مقدس روحانیت و لباس سیادت ، در محافل و مجالس مبالغ زیادی بدست بیاورند . این گروه برای اثبات استحقاق خود با انواع شهادی ، حتی گاهی مدارک جعلی از مراجع وقت به دست گرفته و به مردم ساده لوح ارائه میدهند . همه این ناپسامانیها معلول عدم توجه مسلمانان به دستورهای اسلام در راه مبارزه با فقر و بیچارگی است .

بخشش بیجا و بدون دقت در نیاز و عدم نیاز افراد ، نیروی کار و عزت نفس را از میان برده و گروه زیادی را بسوی ذلت و پستی سوق میدهد و در نتیجه مردم به جای مبارزه با فقر و دستگیری محرومان ، گداپروزی می‌کنند و مساجد و معابد جولانگاه انگل‌های اجتماعی گردیده و صفا و روحانیت را از مجالس سلب نموده است .

از این گذشته ، گدائی کردن این گروه در معابر و خیابانها نبرد بیگانگان را برمی‌انگیزد .

با توجه به این جهات گروهی از